

شهری

شنبه ۷ بهمن ۱۴۰۲ | ۱۶ صفحه | ۱۰ هزار تومان | دوره سوم | سال دوم | شماره ۴۳۳
www.hammihanonline.ir

وفات حضرت زینب سلام الله علیها را تسلیت می گوئیم

برای خودش هم عجیب نبود: «گرچه در زمان ثبت نام هم، می شد حدس زد که وقتی عده ای در دو انتخابات قبلی به جرم حمایت از روحانی رد شده اند، خود روحانی را هم رد کنند». و این اتفاق قابل انتظار چهارم بهمن ماه رخ داد. چهره ای که بیش از دو دهه به نمایندگی رهبری در شورای عالی امنیت ملی عضویت داشت و پس از هاشمی رفسنجانی در میان رجال زنده سیاسی ایران می توان او را «مخزن الاسرار» و «مرد جنگ و صلح» خواند و تاکنون نیز در همه ادوار مجلس خبرگان رهبری عضویت داشته است؛ ناگهان و پس از دوران ریاست جمهوری از نظر فقهای شورای نگهبان خلع صلاحیت شد. اتفاقی که در هر جای جهان، می تواند شگفتی ساز باشد؛ اما در ایران، تقریباً به یک روال تبدیل شده است. کوبی، ریاست جمهوری کارخانه «منحرف سازی» است (تعبیری که احمد زیدآبادی به کار برده است). نهدادی که در آن هر کس تاکنون وارد شده است، خلع صلاحیت و حاشیه نشین شده است؛ مگر دو کس که یکی به مقام شهادت رسید و دیگری که به مقام ولایت. اتفاقی که پیش از این برای هاشمی رفسنجانی و علی لاریجانی به عنوان رفیق شصت ساله و مشاور و نماینده و منصوب سی ساله رهبری نیز رخ داده بود. رخدادی که آن دو، آن را به سکوت و صبر از سر گذراندند. اما فرق روحانی با آن دو تن، قدرت خطابت و صراحت در سیاست است. چنان که در بیانیه اعتراضی اش پس از رد صلاحیت نوشت: «اینک حجت تمام شده است و شهادی روشن و غیر قابل انکار بر رویکرد حذف گرایانه و ضد قانون اساسی جریان اقلیت تمامیت خواه حاکم، پیش چشم ملت ایران آشکار گشته است». اما آنچه در شرایط کنونی و دوران «اتمام حجت» محل تأمل و پرسش است، پیامدهای رد صلاحیت حسن روحانی و تأثیری است که بر آینده سیاسی ایران خواهد داشت. این موضوع را در سه سطح می توان مورد ارزیابی قرار داد:



تکلیف جدید برای اسرائیل
بررسی حکم دادگاه لاهه در خصوص شکایت آفریقای جنوبی از اسرائیل در گفت و گو با کوروش احمدی



راه سخت مدرسه
روایت هایی از شرایط دشوار تردد دانش آموزان و معلمان مناطق دور افتاده به مدارس



سازماندهی و توالتیاریسم
گفت و گو با خسرو ناقد درباره افکار و اهمیت لشک کولاکوفسکی



تنهایی استراتژیک و چالش نفوذ فرامرزی
بررسی نفوذ منطقه ای ایران و دستاوردهایی که داشته است



خالص سازی خبرگان

درباره معنا و پیامدهای رد صلاحیت حسن روحانی و تأثیر آن بر آینده سیاسی ایران:
راه تکرار هاشمی رفسنجانی ۱۳۶۸ را بر او بستند
می تواند نقش هاشمی رفسنجانی ۱۳۹۲ را بازی کند؟

گزارش سیاست
۴-۵

بیانیه روحانی پس از رد صلاحیت:
در صحنه بمانیم
بارای اعتراضی

سرمقاله

حقوقی یا مصلحتی؟

رد صلاحیت آقای روحانی برای شرکت در انتخابات خبرگان، خبر اول سیاسی روز پایانی هفته گذشته بود. این کار با توجه به آنچه در چند سال اخیر رخ داده است، چندان غیرمنتظره نبود. نهادی که پیش از این افراد بسیاری حتی در حد آقای هاشمی رفسنجانی را رد صلاحیت کرده است، اقدام اخیرش تعجب آور نیست. واقعیت این است که این گونه تأیید یا رد صلاحیت ها پیش از اینکه ناظر به استنباط های حقوقی و گذشته افراد باشند، معطوف به مصلحت هایی هستند که در آینده رخ می دهد یا گمان می کنند که قرار است رخ دهد. در ماجرای رد صلاحیت آقای هاشمی نیز همین اتفاق رخ داد و وزیر اطلاعات وقت صریحاً اعلام کرد که با حضور خود در شورای نگهبان گفته است آقای هاشمی برنده انتخابات سال ۱۳۹۲ است و این به صلاح کشور نیست و تأیید صلاحیت وی به مصلحت نیست. در مورد آقای روحانی و حتی بسیاری از افراد دیگر هم مصلحت سنجی های آینده نگارانه تعیین کننده علت رد صلاحیت است. باین حال، رد صلاحیت کنندگان چند نکته را در نظر نمی گیرند. اول اینکه، این مصلحت سنجی ها بر هیچ پایه حقوقی و اخلاقی استوار نیست و کشور را نمی توان بر اساس آنها اداره کرد. نکته دوم اینکه چنین رفتارهایی اغلب نتایجی متفاوت از آنچه که می پندارید، دارد. در همان انتخابات سال ۱۳۹۲، رد صلاحیت آقای هاشمی تبدیل به ظرفیت بزرگ و البته سازنده ای برای جریانی اجتماعی و مردمی شد که نتیجه انتخابات را برخلاف خواست رد صلاحیت کنندگان و وزیر اطلاعات وقت رقم زد. شاید الان چنین کسانی در عرصه انتخابات باقی نمانده باشند که این ظرفیت به صورت سازنده به حساب آنان ریخته شود و نتیجه ای متفاوت با خواست رد صلاحیت کنندگان را رقم بزنند، به ویژه اینکه حتی آن اندازه خطر نکردند تا در خراسان جنوبی یک نفر رقیب هم برای آقای رئیسی به عنوان تک نامزد باقی بگذارند؛ ولی این اثر و ظرفیت ممکن است به صورت منفی و از طریق قهر در انتخابات خود را نشان دهد. در واقع، مصلحتی بالاتر از فراهم کردن زمینه برای حضور گسترده مردم وجود نداشت و ندارد و این حذف ها مانع شکل گیری این زمینه ها می شود که طبعاً مسئولیت آن با آقایان است و نه کسانی که با صندوق قهر می کنند. آیا رد صلاحیت کنندگان می دانند که مشارکت پایین چه عوارضی برای کشور دارد؟ اگر این را نمی دانند، باید تأسف خورد. نکته بعدی و مهمتر اینکه آقایان شورای نگهبان به این پرسش مقدر و طبیعی پاسخ نمی دهند: این چه ساختاری است که مقامات بالای آن پس از پایان دوره مسئولیت خود هم حذف و فاقد صلاحیت می شوند بدون اینکه محاکمه ای شوند، و اگر هم بخواهند حضوری مؤثر داشته باشند، رد صلاحیت می شوند؟ اگر خود شما در یک کشور دیگری زندگی می کردید که چنین وضعی بود، آیا این پرسش طبیعی را مطرح نمی کردید؟ چرا پاسخ نمی دهید؟ اگر پاسخ هم ندهید، مردم برای خودشان پاسخی دارند. اینکه یا ساختار مزبور واجد ویژگی خودتخریبی است، یا قدرت طلبی و معیارهای غیر حقوقی در چنین تصمیماتی حرف اول و آخر را می زند. P

سطح خرد: آینده روحانی

در سطح خرد تحلیل، می توان به ارزیابی و گمانه زنی در باره پیامدهای این رد صلاحیت بر آینده و موقعیت سیاسی شخص حسن روحانی پرداخت. در این سطح، دو گمانه قابل طرح است. گمانه اول همان نگاهی است که برخی ناظران و نزدیکان و همفکران حسن روحانی دارند و معتقدند در شرایط کنونی، این رد صلاحیت به سود او تمام می شود و به نوعی زمینه اعتبار افزایی و بازسازی این سیاستمدار را برای او فراهم می آورد. این نگاه بر دو استدلال استوار است: نخست، فضای سیاسی کنونی کشور به ویژه قهر و فاصله گرفتن بخش زیادی از رای دهندگان از صندوق رای؛ همان نیرویی که پایگاه رای روحانی هم محسوب می شوند و به فرض که او تأیید صلاحیت هم می شد، انگیزه و امید چندانی برای آمدن پای صندوق رای و حمایت از روحانی و همفکران او نداشتند. در واقع، استدلال این طیف این است که «حذف آبرومندان» روحانی بهتر از «شکست محتروم» او در انتخابات پیش رو بود و به همین جهت، شورای نگهبان خواسته یا ناخواسته، لطفی هم در حق روحانی کرده است؛ همچنان که در انتخابات ۱۴۰۰ که همه پیش بینی ها و برآوردها از مشارکت نکردن بخش مهمی از حامیان و رای دهندگان سابق جریان های اصلاح طلب و میانه رو حکایت داشت، رد صلاحیت چهره هایی چون علی لاریجانی و اسحاق جهانگیری عملاً به سود آنان تمام شد.

استدلال دوم کسانی که رد صلاحیت روحانی را به سود او می دانند، این است که اگر به احتمال اندک قرار بود شوکی به فضای سیاسی وارد شود و بخشی از پایگاه اجتماعی نیروهای میانه رو و اصلاح طلب انگیزه ای برای آمدن پای صندوق رای پیدا کنند، اتفاقاً یکی از معدود مواردی که می تواند (با احتمال اندک) این انگیزه را شکل دهد و این پایگاه اجتماعی را به بازگشت به صندوق های رای و ریختن «آرای اعتراضی» علیه جریان خالص سساز و تمامیت خواه موجود وادارد، شوک رد صلاحیت چهره ای شناخته شده همچون روحانی است. کسانی که این گمانه را مطرح می کنند، احتمال می دهند با نزدیک شدن به زمان انتخابات و با توجه به عملکرد و رویکرد جریان خالص ساز در حوزه های مختلف داخلی و خارجی که زندگی عادی مردم را به مخاطره جدی انداخته است، ممکن است روحانی بتواند پس از رد صلاحیت همچون یک لیدر سیاسی عمل کند و چنان که در بیانیه اعتراضی وی نیز آمده، بخشی از بدنه اجتماعی را در جهت «آرای اعتراضی» یا «رای سفید و منفی» تهییج و فعال کند. به بیان دیگر، این ناظران احتمال می دهند روحانی همان نقشی را در روند تحولات انتخاباتی بر عهده گیرد که هاشمی رفسنجانی پس از رد صلاحیت خود در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ ایفا کرد و با همراهی سید محمد خاتمی و اصلاح طلبان، بدنه اجتماعی ناراضی از دولت های نهم و دهم (محمود احمدی نژاد) و خسته از تحریم و فشارهای داخلی و خارجی را برانگیخت و آرای آنان را به نام روحانی به صندوق ها ریخت. البته، حتی کسانی که این گمانه را مطرح می کنند، امید چندانی به تحقق آن ندارند؛ چرا که اولاً، فضای اجتماعی و سیاسی امروز ایران برخلاف بهار ۱۳۹۲ چندان مشارکت جو نیست و احتمال تغییر این فضا، حتی در قالب رای منفی و اعتراضی دور از ذهن است. P

تحلیل سردبیر

نکته هم میهن
۲

قُبْح قضیه کجاست؟

یادداشتی از **مهرداد خدیر**:
گذشته، حال یا آینده در رد صلاحیت حسن روحانی